



تک شماره ۱۵ ریال

پاسخی به آقای کریم سنجابی

درباره انتسابات ایشان به حزب توده ایران

بر خود دارند برای آنکه بتوانند نادرستی و بی‌پایگی آشکار این افترا را در پایداری و اگر معذالك برای مبارزه سیاسی به آن دست میزنند، این عملشان آگاهانه و در چهارچوب حسابهای سیاسی در آنجهتی است که فکر می‌کنند برایشان سودی ببار می‌آورد. يك نگاه ساده به تاریخ نزدیک به ۴۰ سال گذشته، این ادعای عار تأیید میکند.

در سالهای قبل از شهریور ۱۳۲۰ امپریالیسم هاروجنایت‌پیشه و تازه‌بمیدان آمده آلمان، زیر پرچم خون آلود فاشیسم هیتلری، بدست رضاخان و متین‌دفتری نخست‌وزیر وقت و سایر عمال نازی (مانند زاهدیها)، ایران را به پایگاه سیاسی نظامی خود بدل کرده بود. پیش رویهای نخستین ارتشهای اشغالگر نازی در اتحاد شوروی، هیئت حاکم مزدور ایران را، که تا چندی قبل فرمانبردار امپریالیستهای انگلیسی بود، آماده خدمت و فرمانبرداری به ارباب تازه نفس جدید میساخت.

گرفته تا امروز، در سراسر جهان از طرف ارتجاع به نیروهای ترقیخواه جامعه وارد می‌آید.

تمام جنبش‌های ملی و ترقیخواهانه در کشورهای، طی آن دوران تاریخی که از آن اطلاع داریم، به همین نحو مورد اتهام و افترا قرار گرفته‌اند.

پیش از آنکه وارد بررسی اتهامات آقای کریم سنجابی شویم، لازم است يك نکته مهم را روشن کنیم، این پاسخ تنها به آقای کریم سنجابی است. زیرا ما بر آنیم که بین آقای سنجابی و بسیاری از افراد وابسته به سازمان سیاسی «جبهه ملی» و حتی افراد شورای مرکزی این سازمان تفاوت وجود دارد. حتی بنظر ما هستند کسانی که به همین نحو اتهامات آقای سنجابی را در مورد حزب ما تکرار میکنند و به آن صادقانه عقیده دارند، ولی این نظر آنها از ناآگاهی و بی‌تجربگی سیاسی است. روی سخن ما با آقای کریم سنجابی و افراد نظیر ایشان است که بنظر ما، از هوش و فهم کافی و از تجربه سیاسی لازم

طی نزدیک به چهل سال اخیر، نقشی منفی (۱) و یا حتی مخرب (۱) داشته و این هم بآن علت است که گویا حزب توده ایران بیگانه پرست است و بیگانه‌نهم برای آقای سنجابی کشور اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی هستند، و گویا منافع این کشور، با منافع مردم ایران در تضاد است و چون حزب توده ایران این بیگانگان را می‌پرستد، لذا از منافع آنان، که گویا با منافع مردم ایران در تضاد است، حمایت می‌کند و در نتیجه عملش همواره در جهت مخالف منافع ملی ما است.

البته همه آن کسانی که کمی از سیاست ایران اطلاع دارند، خوب می‌دانند که این اتهامات آقای کریم سنجابی نوآوری امروزی نیست. این اتهامات، همان اتهاماتی هستند که نه تنها در ایران از روز تاسیس حزب توده ایران از طرف ارتجاع سیاه ایران و همه محافظ و گروه‌های وابسته به امپریالیسم با وارد آمده‌است بلکه در تمام طول تاریخ مبارزات ترقیخواهانه بشری، از دوران قرون وسطی

آقای کریم سنجابی در چند سخنرانی هفته‌های اخیر خود، حزب توده ایران را مورد حملات بهتان آمیز قرار داده‌اند، یادداشت‌تر بگوئیم، همان انتساباتی را که امپریالیسم و ارتجاع ایران نزدیک چهل سال است به حزب ما وارد میسازند، تکرار کرده‌اند.

اگر بخواهیم این اتهامات را خلاصه کنیم چنین نتیجه می‌شود که گویا حزب توده ایران در تمام طول مبارزات خود

هدف نخستین توطئه‌های امپریالیسم امریکا در خلیج فارس انقلاب ایران است

خبر گزاریهای خارجی در هفته‌های اخیر اطلاع دادند که دولت امریکا سرگرم بررسی طرحی است که بموجب آن، باید نیروی ۱۰۰ هزار نفری از افراد نظامی امریکا برای حفظ «منافع» این کشور در خلیج فارس مستقر شود. روزنامه «التبسی» چاپ کویت نوشته است: ژنرال رالف لاورنس، که بمنظور بررسی اوضاع منطقه، سه ماه در عربستان سعودی اقامت داشته، نامزد فرماندهی این نیروی ۱۰۰ هزار نفری است. همین روزنامه اطلاع میدهد که: «کاخ سفید در روزهای اخیر طرح سائروسوس و وزیر امور خارجه امریکارا برای ایجاد يك فرماندهی ویژه خاورمیانه‌ای در پنتاگون مورد بررسی قرار داده‌است.»

هنگامیکه نخستین بار، طرح شیطانی امپریالیسم امریکا از جانب «جو زوف بیدن» سناتور دموکرات امریکا افشاء شد، از «والتر کاتلر» نامزد کنونی سفارت امریکا در ایران، که وزارت امور خارجه ایران او را به علت سوء سابق سیاسی اش، بحق نپذیرفت، توضیح خواسته شد. او اعتراف کرد که: «در دیپلماسی امریکا حضور نظامی پیشینی شده‌است.» و در واقع با این بیان دیپلماتیک، خیر مربوط به استقرار نیروهای ۱۰۰ هزار نفری امریکارا در خلیج فارس تأیید کرد. وی افزود: «حضور چنین نیروئی، در بعضی موارد برای کشورهایی که خود را در معرض تهدید احساس میکنند، عاملی است تصمیم کننده و اطمینان بخشی و به ثبات اوضاع منطقه میتواند کمک کند.» اخیراً «فرانک ماسترون» سفیر امریکا در کویت نیز با آنکه کوشیده است، اخبار مربوط به استقرار نیروهای نظامی امریکارا در منطقه «دروغ» جلوه دهد، ولی پنهان نکرده است که: «یکی از اصول سیاست امریکا گسترش راههای کمک به کشورهای منطقه، بمنظور تحکیم وسایل دفاعی خودشان است.»

مردم ایران که با توطئه‌ها و دسیسه‌های امپریالیسم امریکا علیه آزادی و استقلال خلیج فارس، عمیقاً آشنا هستند و ۴۵ سال تمام خودتأوان کودتای خائنه ۲۸ مرداد برهبری امپریالیسم امریکارا، به بهانه سنگین پرداخته‌اند، حق دارند که اکنون شدیداً نگران نقشه‌های این امپریالیسم متجاوز علیه انقلاب خود باشند. مردم میدانند که «حضور نظامی امریکارا در خلیج فارس» برای استقلال کشورها و جنبشهای مترقی منطقه تاجه حد خطرناک است، هر چند که این حضور نظامی، از جانب کارگزاران و جاسوسان امپریالیسم امریکارا به «عامل ثبات» و «کمک به تحکیم وسایل دفاعی کشورهای منطقه» تعبیر شود. برای امپریالیسم جهانخوار امریکا «عامل ثبات»، به معنای ایجاد سکوت گورستان در منطقه، بمنظور تأمین شرایط غارتگری و «تحکیم وسایل دفاعی کشورهای منطقه»، یعنی بوجود آوردن ژاندارمهای محلی برای سرکوب

خاطره تابناک رفیق شهید پرویز حکمت جوجاودان باد!



ساروز شهادت پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را باشکوه هر چه تقاضای برگزار کنیم!

بمناسبت شصتین سالروز شهادت پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، روز جمعه ۲۵ خرداد، از ساعت ۹ صبح، در جشن دانشکاه تهران، مراسمی برگزار میگردد. از همه اعضاء، هواداران و دوستداران حزب و از همه عناصر مهمن پرست، آزادیخواه و مترقی دعوت میکنیم که با شرکت خود در این مراسم، خاطره تابناک پرویز حکمت جو را گرامی دارند.

در شصتین سالروز شهادت رفیق پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، از انقلابی مبین پرست و افترا ناسیونالیست پرشوری یاد می‌کنیم که برای تحقق آرمانهای تابناک خلق از نقد جان گذشت. سالی دگر از شهادت پرویز حکمت جو، رفیق که سراسر زندگی آگاهانه‌اش را وقف آزادی خلق ایران کرد، سپری کردید. شش سال پیش، در خیابان شاه مخلوع رفیق شهید پرویز حکمت جو را، پس از ۹ سال زندان، برای چندمین بار به شکنجه‌گاه منتقل کردند و در زیر شدیدترین شکنجه‌های وحشیانه، به زندگی پرغنا او پایان دادند. زندگی و پیکار حکمت جو نمونه شکوهمند از انسانی طراز نوین بود. نه سیاهچالهای زندان و نه شکنجه‌های وحشیانه بر روح پرخاشگر و مقام‌آور ذره‌ای خلل وارد نیاورد. در خیابان، که با توسل به زور و شکنجه میخواستند او را وادار

ساروز شهادت پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را باشکوه هر چه تقاضای برگزار کنیم!

بمناسبت شصتین سالروز شهادت پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، روز جمعه ۲۵ خرداد، از ساعت ۹ صبح، در جشن دانشکاه تهران، مراسمی برگزار میگردد. از همه اعضاء، هواداران و دوستداران حزب و از همه عناصر مهمن پرست، آزادیخواه و مترقی دعوت میکنیم که با شرکت خود در این مراسم، خاطره تابناک پرویز حکمت جو را گرامی دارند.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸۰۳۲۲

رویدادهای ایران

۱- رادیو ایران همچنان حزب توده ایران را تحریم میکند

۲- دولت سندیگای مستقل کلنگری را حافظ منافع کارگران می‌داند.

۳- مردم اسفهان امپریالیسم امریکارا محکوم می‌کنند

۴- ایجاد مزاحمت توسط عناصر ناباب برخی کمیته‌ها

«مشروح خبرها در صفحه ۲»

قانون مطبوعات باید آزادی یاران انقلاب را تضمین و دست دشمنان آنها کوتاه کند!

هر شخصیت ضد استبدادی و ضد امپریالیستی، خواه حقیقی یا حقوقی، بر اساس آزادیهای مصرح در قانون اساسی جدید، باید بتواند نشریه منتشر کند و عقاید خود را آزادانه بیان دارد.

سیاست حزب توده ایران درباره آزادی مطبوعات چیست؟ آنچه بروشنی تمام باید در پاسخ این پرسش گفت اینست که، حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پیگیرترین مبارزات را در راه کسب حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم ایران، در سراسر تاریخ خود با قاطعیت تمام دنبال کرده است. امروز نیز که انقلاب مرحله اول خود، سد استبداد محمد رضا شاه را در هم شکسته است، حزب ما قاطع و ترین مدافع آزادیهای بدست آمده است و آنچه که در اسناد مختلف حزب بارها اعلام شده، خواستار تشکیل جبهه متحدی از خلق است که یکی از وظائف آن باید حفظ حقوق و آزادیهای دموکراتیک خلق باشد.

لا یحیه قانونی مطبوعات، که در شماره گذشته نقائص آن را بر شمردیم، از آنجا که بازتاب روح انقلاب ایران نیست و آزادیهای دموکراتیک را در بخش مهمی از آن، یعنی مطبوعات، خدشه دار کرده است، موافق سیاست اصولی حزب ما در دفاع از آزادیهای دموکراتیک نیست.

از آنجا که قوانین، در تحلیل آخر، چیزی جز انکس خواستها و منافع طبقات مبین نیستند، و از آنجا که روح هر انقلابی در قوانینی منعکس میشود و باید بشود که پس از پیروزی انقلاب نوشته میشوند، ما خواستار آن قانون مطبوعات هستیم که روح انقلاب بزرگ مردم ایران در آن منعکس شده باشد.

انقلاب ایران، انقلابی است ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی. نتیجه اینکه یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب، آزادیهای دموکراتیک، از جمله آزادی مطبوعات است. و این دستاورد میباید در قانون مطبوعات منعکس گردد.

سیاست خطرناک دولت عراق

تجاوز مسلحانه و تخریبکات دولت عراق علیه کشور ما با گستاخی هرچه تمام‌تر ادامه دارد. تاکنون چهار بار جنگنده - بمبافکن‌های عراق دهکده‌های مرزی ایران را در کردستان (گوره شیر، کائین دز، توژال، نوکان، هلیشه، یاهوسی، تین بانگان...) مورد حمله قرار داده‌اند و برخی از آنها را، نظیر گوره شیر در سردشت، با خاک یکسان کرده‌اند. تعداد هم‌میهنان کشته و زخمی ما به چندین ده نفر و تعداد روستاییانی که بی‌خانمان شده‌اند، به صدها نفر می‌رسد.

درغائله ضد انقلابی خوزستان نیز دست دولت عراق در کار بود. ارسال اسلحه قاچاق از عراق به خوزستان همچنان ادامه دارد و تبلیغات عراقی یکنفیس خوزستان را «عربستان» می‌نامد و به طبل ادعای مسخره الحاق «عربستان» به «وطن عربی» می‌کوبد.

اعتراض دولت ایران به دولت عراق

قرار داد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

رویدادهای ایران

● رادیو ایران همچنان حزب توده ایران را تحریم میکند.

صحبت تنها برس توطئه سکوتی نیست که در مهمترین موارد، مانند شرکت حزب توده ایران در تظاهرات، راه پیمائیه و انعکاس نظر و روش حزب ما در مهمترین مسائل کشور، اعمال میشود. صحبت تنها برس «فراموشی دائمی» گردانندگان خبری رادیو در مورد اساسی ترین اسناد حزب ما، نظیر «تحلیل اوضاع کشور» یا «نامه سرگشته» اخیر، که آگاهی بر آنها برای روشن کردن افکار عمومی نهایت ضرورت را دارد، نیست. رادیو دولتی ایران، حتی بقیه تحریم هم که شده، میکوشد از بردن نام حزب ما خودداری کند، ولی مثل اینکه گردانندگان امور رادیویی زیاد از این مطلب بیمی ندارند.

پنجشنبه گذشته، صبح ساعت پنج و ۴ دقیقه (خود انتخاب ساعت هم بر مناسبت) د رادیو شعر معروف رفیق شهید، جعفر و کیلی، افسر توده ای، پیش شد منتهی با دو تحریف، یکی آنکه بجای «ای شاه همه روسپیان» خوانده شد «روسیهان» و دیگری و مهم اینجاست اینکه در بیت اصلی که میگویی: «صبح فردا یسرم باز بخواند بسرود» که به هوشیاری حزب پدرم با درود، گویند دستور داشت بخواند، «که به هوشیاری خوب (۱) پدرم با درود».

چرا اینهمه هراس از نام حزب؟ بیاد آوریم که با آنکه رادیو ناگزیر شد، در سالروز شهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی ما و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، از مراسم که باین مناسبت برپا شده بود، نام ببرد، از حزب توده ایران، که شهید بزرگ در دامان وی پرورش یافته بود و مراسم توسط حزب وی برپا شده بود، کمترین ذکر ی نشد. چرا اینهمه وحشت؟

باز هم چندی پیش رادیو متن چالی داشت درباره ترانه مشهور «مر ا بوس» و چگونگی سروده شدن آن و مناسبت آن، که مر بوس میشود بر فقاری افسر شهید اعضای حزب توده ایران. متن آموزنده و پر محتوی بود. ترانه را هم پیش کردند، ولی باز هم حتی یکبار نگذاشتند نام حزب توده ایران برده شود. چرا اینهمه ترس؟

چرا ادامه تحریم حتی نام حزب، چه رسد با اقدامات و پیشنهادهای و اسناد آن؟ چه فکر میکنند؟ مگر نمی دانند که بسیار کسان کوشیده اند نام روزبه ها و میثری ها و کیلی ها و تعلق آنها به حزب توده ایران را پنهان کنند و نتوانستند؛ مگر نمیدانند که «هوشیاری خوب» نمیتواند اصل مطلب، یعنی وجود و فعالیت و هوشیاری حزب را مخفی کند؟

● دولت سندیکای مستقل کارگری را حافظ منافع کارگران میدانند

داریوش فروهر، وزیر کار و امور اجتماعی، در شصت و پنجمین اجلاس کنفرانس بین المللی کار در ژنو، طی سخنانی اعلام کرد: «دولت جمهوری اسلامی ایران سندیکاهای مستقل را در همه حال تضمین کننده، حفظ منافع کارگران می شناسد و مصراً معتقد است که دولت ها حق ندارند در روند ساخت و کار سندیکاهای دخالت و اعمال نفوذ نمایند، بلکه صرفاً میتوانند در موضع تشویق و حمایت این واحدهای اصل کارگری قرار بگیرند».

فروهر در سخنان خود از سیاست ضد کارگری رژیم شاه پسرده بر داشت و گفت: «در حالیکه در سال ۱۳۵۵ بیش از یک میلیون ایرانی از ده میلیون نیروی کار کشور دچار بیکاری آشکار و پنهان بوده اند. با ورود نیروی کار خارجی در سطوح مطلقاً غیر متخصص فرصت های جدید اشتغال در اختیار کارگران ایرانی قرار داده نشد» فروهر گفت: «دولت جمهوری اسلامی ایران صنعتی شدن کشور و یاد داف از حقوق کارگران را در رابطه مستقیم با استقلال ملی مطرح میکند».

وزیر کار و امور اجتماعی افزود: «در نظام تولیدی جامعه اصالت کار مطرح

«مردم» و مردم

نامه های وارده بسیار زیاد و اشعار وارده نیز زیاد است. پس تاخیر در انعکاس نامه خود را ناشی از تراکم نامه ها بدانید. در مورد اشعار نیز از شعاری که سروده های شما را بارها در «مردم» خوانده ایم، فرهاد ره آور. درخواست کردیم نظر خویش را در مجموع و بطور کلی بنویسد، که جداگانه خواهید خوانند و از دوستان صاحب ذوق دعوت میکنیم باین نوشته توجه کنند.

رضا راستین در نامه خود مینویسد: «اکنون هر انقلابی صادق بخوبی میداند که هدف انقلابیون واقعی از هر مسلکی یکی است و آن استقلال و سعادتمندی خفتهای ایران است. اگر هدف یکیت، پس چه نیکی است. وحدت کلمه که ما را به پیروزی می رساند، زحمت کشان را از سلطه اقتصادی امپریالیسم آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه داری نجات خواهد داد. کارگران و کشاورزان و تمام نیروهای مترقی ایران که مخالف با امپریالیسم هستند، باید در جبهه های متحد بر نامه های مشخص و واحد تنظیم کنند و بخاطر تحقق آن مبارزه کنند».

دوست عزیز راستین! موقفیت شما را خواستاریم و منتظر نامه های دیگرتان هستیم.

دوست عزیز فرزین، نامه و پیشنهاد شما رسید. البته باید بمقتضای شرایط جدید آن در سه راه را تکمیل کرد.

آقای محمودی. نامه شما رسید. ما در «مردم» رویدادها و تفسیر لازم را پیرامون آنچه در خرمشهر ز آبادان گذشت نوشتیم. شاید ایراد شما در مورد تاخیر در پیش «خبر»، وارد باشد، ولی در حال حاضر ما آنچنان شبکه وسیع خبر نگاری مطمئنی که بغوریت اخبار موق را بسا برساند، در اختیار نداریم. ما بر روی موق بودن اخبار تکیه میکنیم و کوشش ما آنست که خبر نادرست، که گاه تحریف آمیز نیز در می آید، چاپ نشود. البته برخورد جدی و سرشار از حس مسئولیت با هر خبر و رویداد، با سرعت در عمل باید همراه باشد، و این هدفی است که ما بسوی آن، با همکاری گزارشگران خود، میرویم. امیدواریم تفسیرهای بعدی «مردم» را خواننده باشید. «مردم» یکمک و همگامی کلیه خوانندگان خود نیازمند است.

دوست کارگر، نامه شما درباره اینکه، حقوق بشر در ایران نقض میشود یا در آمریکا رسید. نمونه هایی که شما از کتابیکه خریداری کرده اید، در باره زندانیان آمریکائی یا سیاهپوستان آن کشور یا بیکاران آمریکائی نقل کرده اید، همه کاملاً بیجا و درست است. در نتیجه سخن شما در دفاع از دادگاههای انقلاب و ازوم سرکوب شدیده ضد انقلاب نیز کاملاً بیجا و بحق است. با تشکر - خان امانلو، زنجان، نامه شما رسید، همراه با شرحی که از رفتار عمال رژیم فاسد گذشته و مالکان و زورگویان در زیر سایه بساط سلطنت نوشته اید. در این امید با شما شریک هستیم که «به پشتکار ملت ستم دیده و زجر کشیده رفع ظلم شود و دوران بدبختیها بر آید».

دوست عزیز ا. ش. س. ع. نامه شما را حاوی شادبازها و شرح حال زندگیتان دریافت کردیم. بدبستی نوشته اید که حالا موقع آن رسیده که قاطعانه و انقلابی با دیگر گروه های انقلابی از دستاوردهای انقلاب حراست کرد. حق بسا شاست که راه دراز و دشواری در پیش است، و باین باید هشیار بود. درباره وضع ایران و تضاد عمده کنونی وظایف حزب توصیه میکنیم اسناد پلن سوم شانزدهم و تحلیل های منتشره توسط کمیته مرکزی و نامه سرگشته اخیر و همچنین مقالات شماره های اخیر «مردم» را که باین موضوع اختصاص دارد مطالعه کنید. بهتر آنست

است، نه اصالت سرمایه. فروهر در سخنان خود گفت: «نفت يك سرمایه ملی است، آنچه ما مجاز بفروش آن هستیم، کارماست و نه سرمایه ما و اگر ناگزیر اقدام بفروش سرمایه می کنیم باید در برابر آن بشکل عادلانه بخرید سرمایه برداریم، یعنی مبادله نوعی سرمایه با نوع دیگر بنا بر نیاز طرفین. به عبارتی دیگر فروش نفت و خرید ماشین های صنعتی مادر یا ابزارهای تولیدی مقاوم در جهت رشد کشاورزی ملی و بنا نهادن صنایعی که مواد مصرفی اولیه را فراهم سازد و قدرت جذب هر چه بیشتری نیروی کار را در افزایش شمار فرآورده های حاصل از کار واقعی به وجود آورد. تا ما را از تنگنای «تک محصولی» بودن بیرون بکشد».

● مردم اصفهان امپریالیسم آمریکا را محکوم میکنند

گزارشگران «مردم» از اصفهان، اخباری پیرامون تظاهرات علیه امپریالیسم آمریکا، که بدفیات مختلف و توسط گروه های گوناگون سازمان داده شد، فرستاده اند. ساعت ۵/۵ روز اول خرداد، کارگران کارخانه ذوب آهن، هنگامیکه در آخر خیابان حکیم نظامی از اتوبوس های سرویس پیاده شدند، و بسا شعار و پلاکاردها بطرف کنسولگری آمریکا برآه افتادند و علیه آمریکا و صهیونیسم و بسود ایران و فلسطین شعار دادند و از احکام قاطع دادگاههای انقلابی حمایت کردند.

روز سوم خرداد ساعت ۹/۵ صبح رانندگان و صاحبان نفتکشهای شهر و حومه استان اصفهان به پشتیبانی از دادگاههای انقلاب و بعنوان اعتراض علیه امپریالیسم جهان بخوار آمریکا و عوامل ایرانی آنها دست به راه پیمائی زدند و با نظم خاصی در میدان نقش جهان اجتماع کردند. یکی از رانندگان قطعه نامه میتینگ را خواند. بر روی یکی از شعارهای پارچه ای آنها این جمله خوانده میشد: «دخالت های امپریالیست های جهان، بویژه آمریکا، درامور داخلی کشور ما از نظر ملت ایران محکوم است».

مردم فریاد میزدند: «آزادی مستضعف ایجاد باید گردد، اعدام انقلابی دنبال باید گردد»، «مرك بر آمریکا دشمن خلق ایران، درود بر خمینی رهبر خلق ایران».

«مردم» - متأسفانه عکسهائی که دوستان ما فرستاده اند، رنگی است، بنا بر این غیر قابل استفاده اند.

از همه مخبرین و دوستانی که برای ما خبر میفرستند، بسا در دیگر درخواست میکنیم عکس سیاه و سفید بفرستند.

● ایجاد مزاحمت توسط عناصر ناباب برخی کمیته ها

از سر دشت - یکی از دهات دزفول - خبر میرسد که جیب کمیته، همراه با ۳ تن مرد مسلح، ساعت ۱۲ شب ۱۵ خرداد، به خانه الله گوردی میروند. زن و بچه بیدار میشوند. از صاحب خانه میخوانند سید عبدالحسین اشرفی زاده، که در دزفول، خیابان آیت الله منتظری، صاحب کتابفروشی آرش است و بارها باین خانه رفت و آمد دارد، دم در بیاید. رئیس کمیته میگوید که اشرفی زاده کمونیست است و برای خرابکاری آمده. دلیل رئیس کمیته هم عبارت بود از داشتن کتابفروشی. مردان مسلح کمیته بعد از مدتی جرو بحث رفتند. فردای آن روز، ۱۶ خرداد، ساعت ۱/۵، در منزل امام قلی، ایجاد مزاحمت کردند و بهانه نشان جلوگیری از ضد انقلاب بود.

در حالیکه عناصر واقعی ضد انقلاب و وابستگان به سیاست های امپریالیستی مشغول فعالیت هستند، عناصر ناباب برخی کمیته ها، افراد میهن دوست و روشنفکران مبارز را زیر فشار قرار میدهند. حتی فرمان دادستان انقلاب، که بدون دستور کتبی نمی توان مزاحم کسی شد و یا کسی را بازداشت کرد، اجرا نمیشود. افراد کمیته مزبور نیز بدون نامه از جانب دادستان دزفول، دوبار در دو محل، مزاحم سید عبدالحسین اشرفی زاده مدیر کتابفروشی شدند و دو خانواده را هم شدت نگران و ناراحت کردند.

اهالی سردشت و دزفول، که این جریان را می بینند، میپرسند: آیا داشتن کتابفروشی جرم است؟ آیا داشتن عقیده سیاسی بهانه مزاحمت میشود؟

چرا یکدیگر را در بحث آزاد و سالم تحمل نکنیم!

نتیجه، اتحاد بین نیروهای انقلابی از بین برود. لذا میدان دادن به چنین وضعی، در هر صورت و در هر حال که باشد، کمک به ضد انقلاب است. ما فکر میکنیم که اگر صاحبان نظریات گوناگون صادقانه، بدون پیش داوری های نابجا، با حسن نیت با هم روبرو شوند، بحثها را در مجرای سالم پیش ببرند و حتی برای همین بحثها و اظهار نظرها جلساتی را سازمان دهند که هر کس در آنجا کلامی خود را عرضه کند و انتخاب به خریدار، یعنی به حاضران و شنوندگان و عامه مردم، که ثابت کرده اند بحد کافی رشد سیاسی دارند، و اگذار گردد، خود قدمی در راه تشنج زدائی، در راه تفاهم و سرانجام اتحاد برداشته شده است. دوستان! بگذارید محیط بحث و مناظره، محیطی سالم باشد. اجازه ندهید افراد مشکوک، یا عصبانی، یا ناشکیباده این محیط ایجاد تشنج کنند. این معیاری است برای سنجش حسن نیتها.

و اتهام و حتی گناه با قدرت جسمی از پیش ببرند. ما با این روش ناهنجار از بیخ و بن مخالفیم. نه تنها بدان دلیل که آنرا راه درست برخورد عقاید و آراء نمیدانیم و فکر میکنیم هیچ صاحب نظر و صاحب مکتبی از این راه جز به ترکستان بجائی راه نمیبرد بلکه بطور عمده بدان دلیل که با ایجاد يك محیط متشنج و آشفته، آن که از چنین وضعی بحد دلخواه خود سود میبرد، ضد انقلاب است. ضد انقلاب متشکل است، تجربه دیده است، تحت تعلیمات مستقیم سازمان جاسوسی سیا و بدست بازماندگان ساواک و طرفداران رنگارنگ شاه مخلوع عمل میکند. عناصر ضد انقلابی خود را در تمام جریانها وارد میکنند. آنها از احساسات و شور جوانانی که تجربه سیاسی کافی ندارند، بحد اعلا استفاده میکنند و آنها را به بیراهه میکشاند. آنها تروریست را رواج میدهند و در پناه سیاهی شب با افراد بیگانه حمله میکنند و آنها را هدف قرار میدهند. یکی از میدانهای فعالیت ضد - انقلاب هم همین تبدیل بحث و مناظره به جدل، دشنام، تهمت و افتراست تا محیط مسموم شود و امکان تفاهم و در

در آورد. این وحدت نظر و وحدت عمل پس از سقوط سلطنت و استقرار جمهوری اسلامی، طبعاً نمیتوانست و نمیتواند در مراحل بعدی نیز وجود داشته باشد. بروز اختلاف سلیقه ها، اختلاف نظر ها، اختلاف ایدئولوژیها امری ناگزیر است. وقتی از طرف این و یا آن گروه ادعا میشود که موضع سیاسی و اجتماعی آن سالمترین و ثمر بخش ترین مواضع برای پیشبرد انقلاب، اگر خود بآنچه که میگوید باور دارد، اگر بتأثیر و نفوذ ایدئولوژی خود و برتری آن نسبت بدیگر اندیشه ها مؤمن است، در این صورت نمیبایست از مواجهه با نمایندگان عقاید و آراء دیگر با کد داشته باشد. بحث و تبادل نظر سالم برای جستن بهترین راه تکامل و گذراندن مراحل مختلف انقلاب و رسانیدن آن به پیروزی نهائی، نه تنها زیان بخش نیست، بلکه در يك محیط آرام و سالم و منطقی از ضروریات پیشرفت است.

بر خورد عقاید و آراء گوناگون، در جامعه ای مانند ایران، که نخستین مرحله انقلاب همه خلقی خود را با پیروزی کم نظیری پشت سر گذاشته و اینک در حال گذراندن دورانی است که آنرا دوران گذار مینامیم، امری است بکلی طبیعی و قابل فهم. وحدت کلمه و وحدت عمل طبقات و اقشار گوناگون مردم، یکی از فاسدترین و جبارترین دیکتاتوریهای جهان را که دست حمایت مصرانه قدرتهای امپریالیستی را نیز در پشت سر خود داشت، از پای کرد. این اسناد را مطالعه کنید تا چند خطی که احتمالاً سطحی خواهد بود و انتظار شما را بر آورده نخواهد ساخت و حق مطلب را ادا نخواهد کرد در اینجا بنویسیم. موفق باشید.

رفیق گرامی آقای ابوطالی، در باره عضویت و تماس با حزب ما بطوریکه در «مردم» اعلام شده میبایست وقتی گذراندن بهر آن افتاد بد فتن مردم در خیا بان ۱۶ آذر بیاید. در مورد کتاب نیز اداره انتشاراتی مادر همان محل واقع است، با مسئول آن حضورا صحبت کنید.

دوست عزیز آ. م. ف. نامه شما مدتی است که رسیده از نوشته گرم شما سپاسگزاریم. شعر شما نیز مشحون از احساسات گرم و پر شور است ولی بنظر ما باید باز هم بیشتر و عمیقتر کار کنید و بخوانید و با ادبیات غنی گذشته و معاصر آشنا شوید. دست پر محبت شما را میفشاریم.

اخبار کارگری

* خواست کارگران سابق کارخانه حریربافی چالوس

کارخانه حریربافی چالوس، که پس از ۲۸ مرداد بدستور شاه مخلوع تعطیل شد، قبل از تعطیل در حدود ۳۰۰۰ هزار نفر کارگر داشت. در فاصله سالهای ۱۳۲۱ الی ۱۳۳۰، برای کارگران از طرف اتحادیه‌های کارگری، دست‌ان شبنامه تاسیس شده بود و در نتیجه اکثریت کارگران کارخانه در آن زمان باسواد شدند و در احزاب ملی به فعالیت پرداختند. پس از ۲۸ مرداد، کارگران کارخانه حریربافی چالوس را بجزم تعلق به سازمانهای سیاسی دسته دسته توقیف و زندانهای درازمدت محکوم و یا تبعید کردند، سوابق عده‌ای دیگر از آنها را بازخرید و بخشی را نیز منتقل و یا اخراج کردند. در چنین شرایطی، کارخانه فقط با عده‌ای معدود کارگر برای یافتن پرچم ابریشمی بکار ادامه داد، تا اینکه کارخانه عملاً تعطیل و محوطه آن به اداره جنگلیانی تحویل شد. شاه خائن، که خیالش از جانب کارگران مبارز کارخانه حریربافی راحت شد، دستور تصاحب زمینهای ساحلی دریای شمال و جنگلهای سرسبز چالوس و اطراف آنرا داد.

حاز که در اثر انقلاب مردمی، میهن ما آزاد شده عده‌ای از کارگران سابق این کارخانه طی نامه‌ای از نخست‌وزیر خواست‌اند که در شرایط بیکاری کنونی، دولت با خرید چند میلیون تومان ماشین آلات مخصوص حریربافی میتواند این کارخانه را دوباره بکار اندازد و ۶۰۰۰ کارگر را در دو نوبت بکار مشغول نماید. ضمناً از آنجا که در تمام شهرهای گیلان و مازندران دهقانان به پرورش کرم ابریشم تسلط کامل دارند، لذا از طریق تولید پيله، عده زیادی از دهقانان مشغول بکار خواهند شد و پيله‌های تولید شده به انبارهای موجود در شمال منتقل و نگاهداری خواهد شد تا بموقع مورد استفاده کارخانه قرار گیرد و این طریق نیز عده زیادی کامیوندار و صاحبان انبار بکار جلب خواهند شد.

* پیروزی کارگران کارخانه چایسازی صومعه‌سرا

دو هفته قبل در کارخانه چایسازی صومعه‌سرا اعتصاب دو ساعته‌ای بخاطر کمی دستمزد توسط کارگران صورت گرفت چون کارخانه در حال کار بود و اگر اعتصاب ادامه می‌یافت ضرر قابل توجهی متوجه کارفرما میشد، کارفرما وعده مساعد به کارگران داد. اما بعداً متصدی کارخانه به رهبران اعتصاب پیشنهاد پرداخت دستمزدی بیش از خواست ایشان را داد به این شرط که دیگر مسئله اعتصاب را پیش نکشند (۱) و بقیه کارگران با همان حقوق قبلی بکار خودشان ادامه بدهند. اما رفقای کارگر با این پیشنهاد موافقت نکردند و تهدید به اعتصاب دامنه‌دار کردند.

در نتیجه حقوق چند نفر از کارگران پر مسئولیت، از ۳۵۰ ریال به ۶۰۰ و بقیه از ۲۵۰ ریال به ۵۰۰ ریال افزایش یافت.

* توافق نامه کارگران «ایران پولین»

میان اعضای شورای کارخانه پولین و مدیرعامل کارخانه، توافق نامه‌ای ضمن ۱۴ ماده با مضاء رسیده. از جمله خواستهای کارگران پرداخت اضافه کاری و حق عائله‌مندی و جلوگیری از استخدام نابجا و نظارت شورا بر تمام اخراجات

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

بقیه از صفحه ۱

پاسخی به آقای کریم سنجابی...

حزب توده ایران، که با فاشیسم و جنایات آن آشنا بود، در همان روزهای پامهدان فعالیت سیاسی گذاشت و هر چه مبارزه علیه فاشیسم را در ایران برافراشت که ارتشهای نازی بسوی مرزهای ایران در حال پیشروی بودند، توده‌ایها که تازه از زندانهای سیاه ارتجاع بیرون آمده بودند، با نیروی ناچیز خود، از همان آغاز با شدیدترین حمله نیروهای ارتجاعی، که در آن دوران نازیها و نازی‌زده‌ها برچمدارشان بودند، روبرو شدند. شما آقای سنجابی، به دایره دوستان نزدیک دور- ویر خود نگاه کنید و حافظه خود را بکار اندازید، آنوقت خواهید دید که کم نیستند کسانی که در آن روزهم زبان با زاهدی‌ها و ارفع‌ها و دیگر گردانندگان ارتجاع ایران، حزب توده ایران را بعنوان «وابسته به اتحاد شوروی» ناسزا می‌گفتند. توده‌ایها نازیسم هیتلری را دشمن بشریت و دشمن مردم ایران، و استعمار نازیسم را وحشیانه‌ترین استعمار نوع جدید میدانستند و با دادن همه‌ستی خود و به خطر انداختن جان خود در مقابل این خطر قدر برافراشتند. در آن ایام شما آقای سنجابی کجا بودید؟! بسیاری از «سنجابی‌ها» در آنروز خود را آماده «پذیرائی» از ارتشهای هیتلری میکردند. با استفاده از اسناد تاریخی، ما حاضریم در آینده به حافظه شما کمک برسانیم.

با پایداری دلیرانه و کارگری مردم شوروی، با کمک همه‌میهن پرستان و آزادیخواهان سراسر جهان - که مبارزه حزب توده ایران و سایر نیروهای ضد فاشیست میهن ما هم جزئی از آن بود - خطر استیلای فاشیسم بر جهان از میان رفت. بوی «کباب سیطره نازیسم» بر جهان به تعفن لاشه‌های ده‌ها میلیون قربانی این جنایت امپریالیستی مبدل شد. دیگر دفاع از نازیسم - مانند دفاع از امپریالیسم در شرایط فعلی - به ننگ و رسوائی مبدل گردید. سرود پیروزی خلق‌های محروم جهان، سرود آزادی از یوغ بندگی در سراسر جهان طنین‌انداز شد. مبارزه حزب ما علیه فاشیسم جهانی، مبارزه مبارز برای پشتیبانی از جبهه اتحاد ضد هیتلری برای دفاع از منافع ملی ما بود و سیاست آنکسانی که آماده پیشوازان دمکشان اس-اس بودند، در جهت خیانت به منافع ملی ما، جنبش ملی و دمکراتیک ایران با شتاب بی‌سابقه‌ای روبه رشد گذاشت. حزب توده ایران توانست نیروهای عظیمی را در سراسر ایران برای گرفتن آزادی و استقلال تجهیز کند و مبارزه بکشد. حزب توده ایران الفبای مبارزه سیاسی را در ایران ترویج کرد. ارتجاع سیاه به حملات خود علیه حزب توده ایران، بعنوان یک گانه نیروئی که خطر جدی برایش بوجود آورده بود، هر روز می‌انزود. مبارزه دموکراسی و ارتجاع هر روز اوج بیشتری می‌یافت.

در آنروزها سنجابی‌ها دیگر نه تنها جرئت نمی‌کردند حزب توده ایران را مورد اتهام قرار دهند، بلکه برای آنکه در صف مبارزان راه آزادی و استقلال و دموکراسی جا بگیرند، راه دوستی با حزب توده ایران را در پیش گرفتند. این يك واقعه تاریخی است که پس از آذر ۱۳۲۴، که در آذربایجان و کردستان نیروهای ملی و خلقی قدرت محلی را در دست گرفتند، «حزب ایران» بطور رسمی در ائتلاف سیاسی چهار حزب - یعنی حزب توده ایران، فرقه دموکرات آذربایجان، حزب دموکرات کردستان و حزب ایران - شرکت نمود. رهبر حزب ایران، آقای الهیار صالح، با نمایندگان حزب توده ایران در کابینه ائتلافی شرکت کرد و تا آنجا که ما میدانیم همیشه سیاست مشترک و متحدی را با آنان دنبال میکرد.

در این دوران، با آنکه حزب توده ایران در سیاست خود، در بر نامه خود، و در دید خود نسبت به مسائل بین‌المللی، کوچکترین تغییری بوجود نیاورده بود، نه تنها دیگر برای «سنجابی‌ها» حزب «بیکانه‌پرست» نبود، حزب «وابسته» نبود، بلکه آنقدر ملی و دموکرات و مبارز بود که این دوستان آن روزی ما، شرکت در دعوتایش را يك عمل مثبت ملی و در راه تحکیم دموکراسی میدانستند. اما بعداً ورق برگشت. پیدایش بمب اتم در دست امپریالیستهای خونخوار و تجاوزکار امریکا، تناسب نیروها را در جهان تغییر داد. امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی، با استفاده از شرایط موجود آن زمان، موفق شدند، طی يك حمله پرحاشیه در يك سلسله از کشورها، مواضع از دست رفته و یا متزلزل شده را دوباره بدست آورند.

میهن ما ایران، که از لحاظ سوق‌الجیشی برای ایجاد يك پایگاه حمله به اتحاد شوروی و از لحاظ اقتصادی بملت منابع عظیم نفت خود و از لحاظ جغرافیائی برای نفت سایر کشورهای خلیج فارس، اهمیت فوق‌العاده داشت، یکی از اولین و بهترین هدفهای این حملات جنایت‌کارانه امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی گردید. جنبش آذربایجان و کردستان بخون کشیده شد. ده‌ها هزار نفر از مبارزان (بیش از ۲۵ هزار نفر) در آذربایجان قتل‌عام شدند، در سایر شهرها حزب توده ایران مورد شدیدترین حملات قرار گرفت. اما حزب توده ایران بر مواضع انقلابی و ملی خود با برجا ماندن و با دادن صدها شهید و هزاران زندانی و قبول همه گونه محرومیت از مواضع سیاسی خود دفاع کرد.

ولی «سنجابی‌ها» چه کردند؟ يك عقب‌گرد ۱۸۰ درجه صدای فحش و ناسزای آنها علیه جنبش ملی و دموکراتیک میهن، علیه حزب ما و جنبش آذربایجان و کردستان، یعنی همان متحدین دیروزیشان، از نمره‌های مستانه شاه و سایر مزدوران امپریالیسم عقب نمی‌افتاد.

در این دوران، متحدین دیروزی حزب ما، یعنی «سنجابی‌ها»، جبهه‌عوض کردند. امریکائی امپریالیست تازه نفس جای نازیسم هیتلری را اشغال کرد. برای آنها امریکا ملجاء و پناهگاه گردید. گروهی از این آقایان تا اینجا پیش رفتند که «دکترین ایزنهاور»، یعنی اصول بنیادی سیاست نواستعماری امپریالیسم امریکا را به رسمیت شناخته، به این امید که امریکا در مسئله نسل‌بندگرت به آنها کمک نماید.

ما برای مراعات عدالت تاریخی می‌پذیریم که بسیاری از این دوستان دیروزی ما، آنروز و قوماً معتقد بودند که امپریالیسم امریکا خصوصیات امپریالیستی ندارد و میتوان برای کم کردن نفوذ استعماری انگلیس، که حاکم بر مقدرات کشور ما بود، از امریکا استفاده نمود. اگر بپذیریم که تمایل و ارادت این دوستان دیروز جنبش ملی و دموکراتیک ایران به امپریالیسم امریکا، ناآگاهانه بوده است، اولاً نمیتوانیم از این امر صرف‌نظر کنیم که این شناخت نادوست ناشی‌آزبی اطلاعاتی همین آقایان از ماهیت امپریالیسم، از نقش غارتگرانه و جنایت آمیز امریکا در برده کردن کشورهای امریکائی لاتین، در برده ساختن خلق‌های آسیای دور بوده است. ثانیاً نمیتوانیم در نظر بگیریم که موضعگیری طبقاتی این آقایان (که هوادار سرمایه‌داری هستند و در هر حال خود را جزئی از جهان سرمایه‌داری غرب میدانند) با این امر بی‌ارتباط بوده است.

همون‌گونه اخیر یعنی سنخیت طبقاتی و اجتماعی است که در تمام دوران به مسئله اخسار خط قرمز موضعگیری سیاسی «سنجابی‌ها» است، و هسته اساسی این موضعگیری هم اینست که، امپریالیسم امریکا، درست است که ما را غارت کرده،

ارتجاع سیاه ایران را بصورت شاه و ساواک بر مقدرات کشور مسلط ساخته جنایات غیر قابل دفاعی را مرتکب شده است ولی بهر حال و با تمام این جنایات يك عنصر «خودی» است، زیرا از سرمایه‌داری در جهان دفاع میکند، «خویشاوند است زیرا بزرگترین پایگاه ضد کمونیسم است. تمام تلاش همه‌میهن پرستانه، از آقایان «سنجابی‌ها» در اینست که امریکائی جنایت‌کار، غارتگر و تجاوزکار به «امریکائی دوست و پشتیبان مردم» ایران تبدیل کنند.

بر اساس همین ارزیابی سیاسی است که برای آقایان «سنجابی‌ها»، دوست عزیز و همکار دیرین و گرانمایه‌شان شاپور بختیار (که بزرگترین خیانت را به مردم ایران مرتکب گردید) بیکانه‌پرست نیست. آنها خود را متعهد به هیچگونه توضیحی در این باره نمیدانند و برعکس تمام تلاششان در اینست که با «عفو عمومی»، بختیار را از چنگ انتقام مردم زجر کشیده ایران خلاص کنند. ولی حزب توده ایران چهل سالست زجر میکشد، کشته و زندانی میدهد، و برخلاف «سنجابی‌ها»، از هر چیز در این کشور محروم است، درست بملت آنکه امپریالیسم امریکارا خطرناکترین دشمن مردم ایران میدانند و بر همین پایه هم نیروهای راستین ضد امپریالیسم جهان و در پیشاپیش آنها کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی را دوستان خلقه‌ها، بن‌زنجیر کشیده و از زنجیر رسته جهان می‌شمرند، «بیکانه‌پرست» است.

بازگردیم به مقام حزب توده ایران و جای «سنجابی‌ها» در تاریخ. در دوران پیش از بهمن ۱۳۲۷، حزب توده ایران در پیشاپیش مبارز برای استقلال و آزادی مردم ایران گام برمیداشت. از ماههای پیش از بهمن، حزب نقشه‌های شوم امپریالیسم و رژیم شاه مخلوع را فاش کرد، که برای جلوگیری از مبارزه مردم ایران علیه تسلط استعماری انگلستان (که پایگاه اساسی آن امتیاز نفت جنوب بود) قصد داشتند جنبش ملی و دموکراتیک میهن ما را مورد هجوم قرار دهند. از ماههای پیش ما اعلام میکردیم که دولت بملت مبارزه مردم ما علیه تسلط شرکت نفت انگلیس، ارتجاع و امپریالیسم، نقشه غیر قانونی کردن حزب توده ایران را طرح کرده‌اند. ما اعلام داشتیم که اولین ضربه به حزب ماست، ولی اگر ارتجاع بتواند حزب ما را از پا در آورد، بسایر نیروهای ملی نیز رها نخواهد کرد.

در این دوران که بالاخص به اعلام «منحله کردن» حزب ما بدست شاه - اقبال منجر شد، «سنجابی‌ها» یی دموکراتیک کلمه در دفاع از آزادی حزب ما سخن نگفتند، حزبیی که دو سال پیش مؤتلفشان بود و تظاهر به دوستی‌اش را يك عمل ملی و دموکراتیک میدانستند. آری، آزادی و دموکراسی برای «سنجابی‌ها» قابل تجزیه بود.

حزب توده ایران بملت مبارزه پیگیرش علیه تسلط استعماری انگلستان، علیه توطئه‌های امپریالیسم امریکا برای چنگ انداختن به منابع ثروت ملی ما، تبدیل کشور ما به نو مستعمره خود غیر قانونی شد. صدها نفر از مبارزان توده‌ای، از آنجمله نویسنده این سطور به زندان افتادند. توده‌ایها در مقابل خطر مرگ، به سر بلندی از مواضع حزب خود، از منافع ایران دفاع کردند.

آقای سنجابی! دفاع افراد کمیته مرکزی حزب ما در محاکماتی که آقای دکتر شایگان و کالت آنها را به عهده داشت، بخوانید و کمی بخود آئیندا به بینید که این افراد چگونه با شهامت علیه تسلط استعماری انگلستان و توطئه‌های امریکائی برای به بند کشیدن میهنمان پرچم مبارزه مردم ایران را برافراشته نگاهداشتند و تسلیم نشدند. شما خیال میکنید که وعده‌های آزادی، پول و مقام در مقابل ماقبل نداشت؟ ولی توده‌ایها زندان و تبعید را ترجیح دادند. اگر این را شما «بیکانه‌پرستی» میدانید ما به این «بیکانه‌پرستی» افتخار میکنیم.

ولی آقای سنجابی شما کجا بودید؟ خوب است این بخش را خودتان به مردم توضیح دهید. ما هم در آینده در این زمینه به حافظه شما با استناد کمک خواهیم کرد. نقشه امپریالیسم و ارتجاع در غیر قانونی کردن حزب توده ایران، بعنوان پیشاهنگ جنبش ضد امپریالیستی، نتوانست به هدف خود برسد. همانطور که در سالهای اخیر تمام جنایات رژیم نتوانست از رشد جنبش خلقی برای ریشه‌کن ساختن امپریالیسم و استبداد جلوگیری نماید. از یکسو جنبش ملی ایران ادامه می‌گرفت، و از سوی دیگر توطئه‌های امپریالیسم انگلیس برای تثبیت مواضع امپریالیسم هار آمریکائی برای بدست آوردن مواضع قدرت هر روز گسترش می‌یافت. سیاست حزب توده ایران، در عین اینکه با همه محرومیت‌های ناشی از فعالیت در شرایط رژیم پلیسی روبرو بود، حتی يك لحظه هم از مستحکمی درست و بی‌تزلزل علیه دشمنان اصلی، یعنی امپریالیسم امریکا، انگلیس و ارتجاع ایران برهبریی شاه مخلوع منحرف نگردید.

ارزیابی نادرستی که در مدت کوتاهی حزب ما در باره بخشی از نیروهای «در معرکه» بسیار بغرنج آن زمان وارد میدان شده بودند، پدید آمد، از نظر آن شدیدی از توطئه‌های امپریالیسم امریکا ناشی میشد. توطئه‌هایی که سرانجام آشکار شد و کودتای ۲۸ مرداد به هدف نهائی خود، یعنی برقراری تسلط امریکا بر ایران رسید. روشن است که در شرایط دشوار پراکندگی مرکز رهبری و فعالیت در شرایط غیرعقلی و بالاخص در شرایط کم تجربه‌ی حزب جوان آن روزی ما در مقابل با مسائلی بغرنج، برخی ارزیابی‌های نادرست از طرف حزب شده است. ولی در زمینه همین مسئله ارزیابی‌های نادرست، باید این حقیقت تاریخی را نیز بیان کنیم که حتی در همان روزها، چه در میان رهبری حزب توده ایران در ایران و در مهاجرت و چه در میان کادرهای فعال حزب، اختلاف نظر جدی وجود داشت و همین اختلاف نظر موجب شده که حزب ما نتوانست در این ارزیابی تجدید نظر کند و دکتر مصدق را از بقائاتی‌ها و مکی‌ها و کاشانی‌ها جدا سازد و از او با تمام نیرو پشتیبانی نماید. آیا آقای سنجابی برای این سؤال پاسخی دارند که چرا در تمام سال‌های حکومت دکتر مصدق، که حزب ما با تمام نیرو از ایستادگی او در مقابل فشارهای مشترک امپریالیسم امریکا و انگلیس پشتیبانی میکرد، نه ایشان و نه سایر «سنجابی‌ها» که امروز برای عفو عمومی جنایت‌کاران وابسته به رژیم خائن شاه در تقلا هستند، يك کلمه درباره لغو ممنوعیت فعالیت علنی حزب ما اظهار نداشتند؟ حزب توده ایران، تنها برای آنکه مبادا طرح این مسأله برای حکومت دکتر مصدق ایجاد اشکال سیاسی نماید، از هر گونه اقدامی در این زمینه خودداری کرد، یعنی تنها برای تقویت دولت دکتر مصدق.

آقای سنجابی! علیرغم همه‌لجن‌ها و اکتیهای امپریالیسم و ارتجاع و بهتان‌زنی‌های امثال شما، تاریخ نقش فعال میهن پرستانه و وفادارهای حزب ما را به درستی بازتاب خواهد داد، همانطور که علیرغم همه فریب‌کاریها، تاریخ نقش شاه مخلوع و رژیم وابسته‌اش، نقش بقائاتی‌ها و شاپور بختیارها را بدرستی ثبت نمود.

برغم فداکاریهای مردم ایران، برغم کوششهای فداکارانه نیروهای (که بخشی زیر رهبری دکتر مصدق و بخشی زیر رهبری حزب توده ایران قرار داشتند) جنبش ملی مردم ایران در مقابل توطئه خائنانه امپریالیسم و ارتجاع ایران نمیتوانست پایداری کند و در هم شکسته شد. درباره علل این شکست و نقش «سنجابی‌ها» و حزب توده ایران در این جریان، ما در سندها جداگانه‌ای گفتگو خواهیم کرد.

بقیه در صفحه ۵

از شماره پیش

گفتگویی با چریکهای فدائی خلق ایران درباره مسائل انقلاب ایران

در بحث از هژمونی پرولتاریا، باید به یک نکته بسیار اساسی اشاره کنیم آن اینکه، دوران تاریخی که ما در آن زندگی میکنیم با دوران انقلابهای روزهو دمکراتیک قرن نوزده و اوایل قرن بیست (انقلاب اول روس) تفاوت آهوی دارد. ما در دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، زندگی میکنیم. شیخه اصلی زمان ماتیور سریع تناسب نیروها بسود سوسیالیسم است. در این دوران، هژمونی پرولتاریا در هر کشور جداگانه، نمیتواند از هژمونی جهانی پرولتاریا و نیروهای ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری جدا باشد. ر زمان ما سمت حرکت اصلی جامعه بشری را سوسیالیسم تعیین میکند. و این بدان معناست که در مقیاس جهانی، هژمونی پرولتاریا تأمین شده است و هر چه این حرکت مطمئن تر و سریعتر باشد، هژمونی جهانی پرولتاریا استوارتر است. در این زمان، پرولتاریای جهانی و فرزند برومند آن اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی، در مجموع خویش، این اندیشه اصلی مارکسیستی-لنینیستی را راهنمای عمل خود قرار داده اند که، پرولتاریا باید از هر جنبش انقلابی حمایت کند. اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از هر جنبش انقلابی در جهان حمایت میکنند و میکوشند که جنبشهای انقلابی را بسوی قاطعیت هر چه بیشتر سوق دهند و راه گذار کشورهای ضد امپریالیستی را بسوی سوسیالیسم هموار سازند.

در این دوران نوین و در این تناسب قوا است که در انقلابهای ضد امپریالیستی کشورهای اسیر، مقوله ای نظیر «رهبری خرده بورژوازی» پدید می آید، و گرنه خرده بورژوازی در زمان سلطه کامل امپریالیسم (سرمایه داری) اصولاً قادر به رهبری نبود. امروز هم اگر در مقیاس جهانی-تاریخی در نظر بگیریم، خرده بورژوازی قدرت رهبری ندارد، چرا که فرامیون اقتصادی-اجتماعی ویژه خرده بورژوازی موجود نیست و در مقیاس تاریخی-جهانی، یا فرامیون سرمایه داری است یا سوسیالیستی.

آنچه که رهبری خرده بورژوازی مینامند، حالت گذار بینابینی است که در دوران ما، در دورانیکه هژمونی جهانی پرولتاریا وجود دارد، پدید می آید. جنبشی که در این حالت بینابینی است، اگر در جهت ضد امپریالیستی تعویب شود، میتواند به هدفهای قاطعتری دست یابد و اگر نه، پیروزی نهائی با سرمایه داری وابسته خواهد بود.

تکرانی شدید محافل مسائلیستی از آنچه که رهبری خرده بورژوازی مینامند، از همین جاست. این محافل که در مقیاس جهانی هوادار هژمونی امپریالیسم اند و اردوگاه سوسیالیسم را دشمن اصلی معرفی میکنند، در مقیاس محدود هر کشور نیز با قاطعیت انقلابی، که بزبان امپریالیسم است، مخالفت پیروزند و به تأمین هژمونی پرولتاریا کمک میکنند.

محک هر ادعائی عمل است. ببینیم گروهکهای مائوئیستی از کدام جریان سیاسی حمایت میکنند. یکی از نویسندگان «پیمان امروز» نظری را مطرح کرده، که در واقع نظر همه محافل مائوئیستی است. او مینویسد که در سرمایه داری ایران دو گرایش وجود دارد. یک گرایش که عبارت از گرایش بورژوا لیبرالی است،

«... عده ای از حقوقدانان، وکلا، شخصیت های لیبرال، نویسندگان و روزنامه نگاران... بسوی این گرایش متمایلند... این اقشار... در تضاد مستقیم اقتصادی با رژیم شاه نبوده اند... در رابطه با رشد سرمایه داری وابسته وجود آمده اند... وابستگی همه جانبه به اقتصاد سرمایه داری جهانی را میپذیرند و آگاهانه از این وابستگی دفاع میکنند. ولی از آنجا که اکنون در جامعه یک جنبش توده ای با پتانسیل ضد امپریالیستی بسیار قدرتمند وجود دارد و نیز به این دلیل که اعمال فشار مستقیم امپریالیسم فعلاً کارآئی خود را در ایران از دست داده، بورژواهای لیبرال خواستار آنند که از امپریالیسم امتیازاتی بگیرند... و از رشد رادیکالیسم جلوگیری کنند.»

بگفته نویسنده، این گرایش مسلط و صاحب قدرت نیست. قدرت واقعی، بقول او، در دست یک جریان «خرده بورژوا - فاشیستی» است. با آنکه نویسنده خود معتقد است که «فاشیست نامیدن این جریان از نظر علمی شاید درست نباشد»، ولی (۱) در هر حال (۱) فاشیست است، با معنای تازه ای که نویسنده برای مقوله کهنه و موجود فاشیسم از خودش تراشیده است. (درباره فاشیسم و منشأ واقعی خطر آن بعداً صحبت میکنیم)

با یک طبعاتی این گرایش، بگفته نویسنده، اقتضای از خرده بورژوازی سنتی است. «سرمایه داران کوچک و متوسط و کسبه و پیشه وران که... با هجوم امپریالیسم و تسلط الیکارشی پهلوی تحت فشار قرار گرفتند...» «امروز این قشر در رأس یک جنبش نیرومند توده ای قرار گرفته، به امپریالیسم دندان نشان میدهد و خشم و غضب و احساس طبقاتی زخم خورده اش را در برابر سرمایه داری بزرگ جهانی به نمایش میگذارد... باید توجه داشت که یک رژیم خرده بورژوا میتواند در شرایط مشخصی با امپریالیسم تضاد هسای شدیدی داشته باشد و مثلاً تا جایی پیش برود که هر نوع رابطه مستقیم سیاسی را با امپریالیسم قطع کند، ولی این امر الزاماً به معنای مترقی بودن رژیم نیست.»

چرا؟ زیرا مترقی نامیدن این جنبش های ضد امپریالیستی، از طرف «بورژوازی حاکم بر شوروی و احزاب وابسته به آن مطرح میشود (چه گناه بزرگی!) و صرفاً پوششی است برای آنکه هیئت حاکمه شوروی بتواند از اختلاف بین هر رژیمی - ولو ارتجاعی - با امپریالیسم بسود خود استفاده کند... نتیجه ای که نویسنده میگیرد اینست که:

«فوری ترین وظیفه انقلابیون (۱) مبارزه با سلطه گرایش فاشیستی و تلاش برای شکستن هژمونی آن بر توده هاست... بیابارت دیگر، زمانی که خطر فاشیسم جامعه را تهدید میکند، نیروهای مترقی میتوانند و باید از گرایش های لیبرال در کمپ سرمایه داری بسود خود بهره برداری کنند و لبه تیز حمله خود را متوجه راست ترین و خطرناکترین گرایش (یعنی فاشیسم) سازند.»

با اینکه نویسنده مائوئیست، طبق معمول مائوئیسم، برای اکثریت کلمات معنای تازه ای اختراع کرده و خرده بورژوازی ضد امپریالیست قاطع راه فاشیست، ضد انقلابیون خرابکار را «انقلابیون»، سوسیالیسم را «بورژوازی حاکم بر شوروی»، و غیره و غیره مینامد، اما موضع واقعی او روشن است و آن اینکه، مائوئیستها باید با «کمپ سرمایه داری» و درست با

چند کلمه با دوستان با استعدادی که برای «مردم» شعر میفرستند:

برای آنکه نوشته ای را بتوانیم شعر بخوانیم دست کم می باید یکی از مشخصات زیر را دارا باشد.

۱- موجز باشد. یعنی با کمترین کلام بیشترین معنا را ارائه بدهد بقول حافظ: بلفظ اندک ومعنی بسیار.

۲- ایجاز یاد شده نباید به مضمون یا محتوا صدمه برساند، یعنی کلام باید با اندازه و رسا باشد.

برادر ارتشی چرا برادر کشی؟

۳- خیال پرور باشد، یعنی بتواند شمارا بفضائی دور از همان کلمات زیر چشمات بکشاند.

هر شب ستاره ای بزمین میکشند و باز این آسمان غمزه غرق ستاره هاست.

۴ - برانگیزاننده، محرک و دگرگون کننده باشد، بکاری تشویق و یا از کاری باز داردمان:

بیا تا گل برافشانیم و می درسافر اندازیم فلک را ستف بشکافیم و طرح نودر اندازیم

خلاف عهد یسارانت سمدی که برگردهی بروز تیر باران

۵- دید خاصی داشته باشد، یعنی بر مجموع یا گوشه ای از آنچه تا کنون دیده یا شنیده ایم نگاهی دیگر افکنده شده باشد.

آسمان کشتی ارباب هنر میکشد تکه آن به که بدین بحر معلق نکند که آسمان را چون دریا دیدن و آنهم دریائی واز گونه، هنر مندانه نگرستن بفضاست ویا:

مزدع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خویش آمد و همتکام دور

۶- ترکیب یا تلفیقی از اشیا یا معانی دور از هم باشد، مجموعه شگرف و غریب، مثل دسته گلی از گلگلهائی که عادتاً و طبیعتاً با هم یادگار هم نمیروند ولی

دست گلچین یا باغبانی کار آزموده بسا جمع کردن آنها هدیه دلنشینی فراهم میکند.

ای معتبره زده ای فرما که دوشم آفتاب درشکر خواب صبوحی هم وثاق افتاده بود که گرد آوردن آفتاب و شب را در حجره تنک شاعر و درشکر خواب صبوحی از آن جمله است.

۷- معنایی، نقشی، رنگی یا فضائی یگانه بر کل شعر، بر گونه گونگی تصویر شعر حکفرما باشد، یعنی هماهنگی، گذشته از کلمات بر فضای درونی شعر نیز سرایت کند.

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هائل کجا داند حال ما سبکباران ساحلها که موج و گرداب و ساحل و سبکباران آن را قدما مراعات نظیر میکشند و امروزه بدان کمپوزیسیون میگویند که البته تاریکی شب و هول انگیزی گرداب نیز در بخشیدن رنگ و نقش واحد بر کل تصویر اثر می گذارد.

۸ - چیزی بشما بدهد یا پیاموزد یا توجه دهد که شما یا هرگز نمیدانسته اید یا بوضوح بر آن وقوف نداشته اید:

دل هر ذره را که بشکافی

آفتابیش در میان بینی

۹- اگر هیچیک از مراتب بالا را در بر ندارد، خوشایند باشد، یعنی دانسته ها و ندیده ها و شنیده های شما بترتیبی مجذوب کننده واگو شده باشد:

ابراگر آب زندگی بارد

هرگز از شاخ بید بر نخوری

یا عاشقان کشتگان معشوقند بر نیاید ز کشتگان آواز

باینها بیفزائیم که در شمن سفید یما آزاد، که الزام وزن و قافیه تا این حد در کار نیست، رعایت مطالب یاد شده ضروری تر است.

در پایان متذکر میشویم که گسره شعر نسخه از پیش تهیه شده ای ندارد، اما توجه بنکات فوق میتواند اذهان مستعد را در کارهای آتی تلنگری باشد

خاطره تابناک ...

بقیه از صفحه ۱

به دورنمای مدارج ترقی در ارتش و بهر مند شدن از امتیازات آن، راه آینده زندگی و مبارزه خود را، با همه خطرهای محتمل، در جنبه خلق جستجو کرد و این راه را در صفوف حزب توده ایران یافت. رفیق شهبید پرویز حکمت جو تا آخرین نفس از آرمان حزب و خلق خود دفاع نمود و با نثار جان خویش نمونه قهرمانانه ای از مقاومت و یابرجائی در پیکار بخاطر آرمان های خلق خود باقی گذارد.

در بهار آزادی و در شرایط پیروزی نخستین مرحله انقلاب بزرگ مردم ایران، بزرگداشت ششمین سالروز شهادت این قهرمان توده ای، باشکوه مندی و عظمت بیشتری تجلی میکند، زیرا که درخت انقلاب با خون شهیدان را مخلق آبیاری و بارور گردید. پس وظیفه مقدس همه مبارزان راستین راه انقلاب است که با الهام گرفتن از جانبازیهای قهرمانان شهید. در بستر رسانیدن انقلاب پیگیر و استوار باشند.

خاطره تابناک رفیق شهبید پرویز حکمت جو را گرامی میداریم و زیر پرچم حزبی، حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پیکار عادلانه خود را ادامه میدهیم.

بقیه از صفحه ۱

سیاست خطرناک ...

بنیاد مورد تهاجم تروریستهای خود قرار داده است.

تجاوز و مداخلات دولت عراق بر ضد تمامیت ارضی و بر ضد انقلاب ایران و نیز خصومت دولت عراق با یمن دمکراتیک نمایش خارجی سیاست داخلی دولت عراق است، چرا که سیاست خارجی هر دولت در واقع ادامه سیاست داخلی در مناسبت با دیگر کشورها است. دولت عراق اختناق را در کشور عراق بحد اعملا رسانده است. این دولت، از زمانی که بادولت شاه مخلوع ایران باصطلاح «آشتی» کرد، چهره ای ارتجاعی از خود نشان داده که روز بروز آشکارتر میشود.

دولت عراق به پیگرد و کشتار کمونیستها و سایر آزادیخواهان عراقی پرداخته، خود مختاری کردستان عراق را، که تقبل کرده بود، به بوته فراموشی انداخته، و پلیس سیاسی را بجهان مردم انداخته است.

این سیاست داخلی دولت عراق اینک باعث شده که در کشور یا بگاه اجتماعی خود را از دست بدهد، در برابر خلق عراق قرار گیرد، خود را دست ولزبان احساس کند و از نفوذ معدوی انقلاب آزادیبخش ایران بترسد و این سستی و ترس را بخواند با تجاوز مسلح و مداخلات تجاوزی نسبت بایران بخیال خود از انتظار مردم عراق مستور دارد.

ولی ایسن راهی است خطرناک، هم برای مردم عراق و هم برای همسایگان عراق. دولت عراق اگر بان سیاست داخلی و این سیاست خارجی ادامه دهد، بی هیچ تردید ریشه خود را خواهد کند.

مبارزات مردم عراق علیه سیاست ضد دموکراتیک دولت عراق هم اکنون بسرعت در حال گسترش است و تیر به همه کشورها نشان داده است که هرگاه خلقی در راه استقلال و آزادی و شرف خود بیا خیزد، هیچ بیرونی قادر به جلوگیری از پیروزی وی نخواهد بود.

اما آنچه در مناسبات ایران و عراق بر عهده دولت چه هوری اسلامی ایران است، قاطعیت در قطع دست متجاوز دولت عراق در خاک ایران است. دولت ایران در حفظ امنیت ارضی و پاسداری و تأمین امنیت مرزهای ایران از پشتیبانی تمام مردم ایران، تمام خلقهای ساکن کشورها برخوردار است و بنابراین قادر است و وظیفه دار است که با شدت دست متجاوز عراق را قطع کند.

هدف نخستین ...

جنبشهای استقلال طلبانه خلقهای منطقه، که باید بشما بازوی امپریالیسم، علیه مردم خود و سایر کشورهای منطقه عمل کنند. در یک کلام، همان رسالت خائنانه ای که شاه مخلوع بر عهده گرفته بودو سرانجام هشیاری و عمل انقلابی مردم ما، شرابین کارگزار امپریالیسم را از سر خود و مردم منطقه دفع کرد.

امپریالیسم امریکاکه بایرون شدن نوکر وفادار خود، «منافع» خویش را در منطقه خلیج فارس دچار خطر می بیند، هر روز در کار توطئه تازه ای علیه انقلاب ایران و نیروهای مترقی منطقه است. مردم فراموش نکرده اند که «جرج بوش»، رئیس پیشین سازمان جاسوسی امریکا، چندی پیش صریحاً از اینکه امریکا بداخله نظامی در ایران اقدام نکند، اظهار تاسف نمودو تاکید کرد که: «در ایران باید دولتی بر سر کار آید که مدافع منافع غرب و وابسته به سیستم اقتصادی غرب باشد.»

امپریالیسم امریکا باتمام نیرو در کار جبران غفلت گذشته است و رویا دلنشین روی کار آوردن یک رژیم مدافع منافع امپریالیسم در ایران، خواب راحت از چشمش روده است. برای مقابله با چنین نقشه های تبهکارانه علیه استقلال و آزادی میهن ما، وظیفه دولت است که در جهت قطع کلیه پیوندهای امپریالیستی امریکا در میهن ما، در همه زمینه ها و در کلیه جهات، اقدامات جدی و فوری بعمل آورد. باغتراف مسئولان امر ما در حدود ۱۰۰۰ قرارداد با امریکا داریم که بااطمینان میتوان گفت، هیچیک از آنها موافق مصالح ملی ما نیست، قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا هنوز لغونشده است، جاسوسان سیا، بنام کارشناس و مستشار، هنوز در میهن ما باقی هستند و شب و روز به تحریک و دسیسه علیه انقلاب ما مشغولند و ضد انقلاب داخلی را سازمان میدهند.

دولت وظیفه دارد بیدرنک به لغو قراردادهای تحمیلی و اخراج جاسوسان امریکائی اقدام کند، از دخالتهای امپریالیسم افریکاعلیه آزادی و استقلال میهن ما و انقلاب خلق ما، پرده بردارد و این دشمن بشریت را بیسی از پیش در افکار عمومی جهان رسوا سازد.

آن کسانی که خواستار حفظ وابستگی ایران به امپریالیسم اند، متحد شوند، رهبری آنان را بپذیرند و لبه تیز حمله خود را متوجه کسانی کنند که «در رأس جنبش نیرومند توده ای به امپریالیسم دندان نشان میدهند و خشم و غضب و احساس طبقاتی زخم خورده خود را در برابر سرمایه داری بزرگ به نمایش میگذارند»، و چه کار بدی میکنند! آخر هژمونی پرولتاریائی گفته اند! انقلابی گفته اند! مارکسیست - لنینیستی گفته اند! آدم با تربیت که نباید به امپریالیسم دندان نشان بدهد! اگر دندان نشان میدهی، به توده مردم ضد امپریالیست و به اردوگاه سوسیالیسم نشان بده، با «کمپ» سرمایه داران جهانی چه کار داری؟! ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱

پرسشها و پاسخها

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم» از دوستان حزب توده ایران، پرسشهایی درباره تاریخ حزب، سیاست حزب و مواضع حزب نسبت به مسائل گوناگون پیش می آید. از این پس روزنامه «مردم» ستونی می گشاید، زیر عنوان «پرسشها و پاسخها»، و در این ستون کوشش بعمل خواهد آمد به پرسشهایی که از طرف افراد مختلفی، به یکسان و یا تقریباً یکسان مطرح می شود، پاسخ داده شود.

از خوانندگان «مردم» و دوستان حزب خواهشمندیم پرسشهای خود را به دفتر روزنامه مردم ارسال دارند.

اخبار دهقانی

«شوراهای ده و شرکت دهقانان در امور روستاها»

رونوشت نامه ای از سندج بما رسیده است که طی آن یکی از دست اندر کاران امور روستایی پیرامون شوراهای ده اظهار عقیده میکند. وی با تکیه به تصمیمات اعلام شده توسط امام خمینی و نظریات آیت الله طالقانی و بحثهاییکه درگیر شده، معتقد است که باید عده اعضای شوراهای ده مثل دوران سابق دیگر پنج نفر نباشد که همان وضع گذشته را بخاطر دهقانان بیآورد، بلکه باید یازده نفر باشد، که از این عده دوفتر نماینده اصناف و کسبه ده و یک نفر نماینده روشنفکران ده (نظیر معلم و دانش آموز) و نه نفر بقیه نماینده فقط دهقانان زحمتکش، اعم از خوشنشین یا صاحب نسق (به نسبت عده هر دسته) باشد و مالکان بزرگو کسانی که در ده زندگی نمیکند، ولی زمین دارند، در شورا شرکت داده نشوند.

از قرار نسخه اصلی این نامه، برای گردآوری تمام نظریات و عقاید، به دفتر حضرت آیت الله طالقانی فرستاده شده است. نکته مهم و اصلی، صرف نظر از نحوه تقسیم و عده اعضا، در این پیشنهاد آن است که شورای ده باید تنها مرکب از خود روستائینان فقط از کسانی که در ده کار میکنند و زحمت میکشند، باشد. یعنی هسته اصلی این پیشنهاد آنست که باید دست مالکان و استثمارگران شهر-نشین، که دهقانان را استثمار میکنند، از شوراهای ده قطع شود تا این شوراهای واقعا مبین منافع دهقانان گردد و تصمیمات آنها همه دهقانان یا جان و دل قبول کنند و آنها را با مشارکت عملی خویش عملی سازند.

توجه!

رفیق گرامی حسین پدر دادوش

رفیقی که پس از کودتای ۲۸ مرداد کمکهای با ارزشی به حزب کردید! با تغییراتی که پیدا شده ما نتوانستیم خانه شما را پیدا کنیم. اگر در تهران هستید، خواهش میکنیم مستقیماً به دفتر «مردم» مراجعه کنید و یا با تلفن نشانی خود را بدهید.

با درود فراوان
«مردم»

رققا و دوستایی که در خارچ از کشوراند، میتوانند کمک مالی خود را به نشانی زیرین ارسال دارند،
Sweden
Stockholm
Spar banken Stockholm
N: 0400 128 50
Dr. John Takman

بقیه از صفحه ۴

پاسخی به آقای ...

ضربه سنگین کودتای امپریالیستی و خائنانه ۲۸ مرداد، بیش از هر نیروی دیگر به حزب توده ایران وارد آمد. حزب ما بیش از هر گروه و سازمان سیاسی دیگر کشته و زنیانی داد، که عده ای از آنها تنها پس از ۲۳ سال، یعنی پس از پیروزی انقلاب از زندان خارج شدند. تنها سازمان سیاسی که پس از ۲۸ مرداد توانست به فعالیت خود در سخت ترین شرایط پیگردلیسی ادامه دهد، توانست بخشی از نیروهای خود را از زیر ضربهای خردکننده، رژیم پهلوی بیرون بکشد، دوباره چسبانه مخفی براه اندازد و بر چه مبارزه علیه رژیم را فرارشته نگهدارد، حزب توده ایران بود. نزدیک به سه سال طول کشید تا رژیم سیاه شاه مخلوع توانست مقاومت سرسختانه حزب ما را درهم شکند و تشکیلات سرتاسریش را از هم بپاشد.

در این دوران اکثر «سنجاییها»، باستثنای کسانی که تعدادشان از انگشتان دست بیشتر نیست، «دکتر مصدق» را تنها گذاشتند و بشکلی ازشکال «گلبه» خود را از آب بیرون کشیدند و در برداشت سهمی از «خوان عظیم پیمان» شرکت جستند. ولی مبارزان توده ای در فعالیت مخفی، چه در زندان و چه در مهاجرت، تمام نیروی خود را برای ادامه مبارزه علیه رژیم فاسد کودتای ۲۸ مرداد بکار انداختند. در این ایام اکثر «سنجاییها» در سایه حاکمیت غارتگرانه رژیم شاه و ساواک به زندگی آرام خود ادامه میدادند.

رژیم شاه مخلوع «توده ایهای خطرناک» را، که از دسترس او دور بودند، در دادگاههای غیبی محکوم به اعدام کرد، تمام پلیس امپریالیستی را برای بدام انداختن آنان تجهیز کرد و حتی برای نابود کردن آنان از هیچگونه توطئه ای کوتاهی ننمود.

درباره فعالیت حزب توده ایران، نقش افشاگران، روشنفکرانه و تجهیز کننده انتشارات و برنامه های رادیویی حزب (رادیوی یک ایران) و نقش نشریات مخفی حزب در ایران مطالب گفتنی بسیار است. تنها این واقعیت را، هر گز فراموش نکنیم که آنچه را که نسل جوان انقلابی میهن ما، حتی گروههای مخالف حزب ما، در زمینه شناخت جامعه ایران و جهان، شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران و شیوه های مبارزه آموخته اند، در بخش مهمی محصول کار حزب توده ایران است.

از اینها که بگذریم، به دوران نزدیک، یعنی «چند سال اخیر می رسمیم». ببینیم در این دوران حزب توده ایران و «سنجاییها» کجا بودند؟

حزب توده ایران، در سال ۱۳۵۴ برنامه جدید خود را، که در آن بصراحت راه آینده انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران بررسی شده است، تدوین کرد و در آن بصراحت اظهار نظر نمود که، بساط سلطنت فرتوت استبدادی باید برچیده شود و جمهوری ایران، بر پایه اراده خلق، باید یک نظام ملی و دموکراتیک را، که استقلال واقعی سیاسی و اقتصادی و دموکراسی واقعی سیاسی و اقتصادی را در جامعه ما تأمین مینماید، بدست توانای انقلاب خلق برپا سازد. حزب توده ایران پس از آنکه بارها مورد هجوم وحشیانه ساواک قرار گرفت و سازمانهای مخفی اش مانند همه کشورهای فاشیستی بتاراج رفت، باز مانند هر نیروی اصیل انقلابی کار را از نو شروع کرد و به ایجاد سازمان مخفی خود دست زد و روزنامه «نویس» را، که نقش مؤثری در افشای روشنگری و تجهیز نیروهای مبارز در سالهای اخیر داشت، بوجود آورد و در آن فکر لزوم برانداختن رژیم شاه خائن و ریشه کن ساختن امپریالیسم را ترویج کرد. آقایان سنجاییها در این دوران کجا بودند وجه میکردند؟

هنگامیکه برای مبارزه درخشان مبارزان خلق و بویژه نیروهای عظیمی که زیر پرچم امام خمینی با درمیدان نبرد گذاشته بودند، اوضاع سیاسی ایران تغییر کرد، ارتجاع مجبور به عقب نشینی شد و امکاناتی برای اظهار نظر پیدا شد، آقایان سنجاییها نیز سراسیمه یا به میدان گذاشتند و از همان اولین روز نقش توهنگنده مبارزه خلق را به عهده گرفتند.

شما آقای کریم سنجایی، طی دهها اعلامیه و مصاحبه تنها در این جهت عمل کردید و با برنامه سیاسی که برای جبهه می نوشتید، معتقد بودید که رژیم سلطنت را نمیتوان و نباید برانداخت. تمام فعالیت چهارساله اخیر شما در جهت حفظ «سلطنت مشروطه» حتی با شخص شاه، بشرط انجام یک «انتقاد از خود» و یا لااقل با حفظ پسر شاه بوده است. شما با اجازه و موافقت رژیم شاه خائن به پاریس رفتید تا آیت اله خمینی را قانع کنید که، نمیشود علیه آمریکا و شاه جنگید! کوشش شما در این راه بود که مردم را از ادامه نظام اهرات، که هر روز علیه رژیم خصمانه تر میشد، باز دارید. و شما، پس از آنکه به این نتیجه رسیدید، که مردم مبارز ترمز کنندگان را زیر پای خود لگدمال خواهند کرد و آنجا میفرستند که شاپور بختیار، همکار و دوست، دیرین شما، را فرستادند، با اعلامیه ۳ ماده ای خود در پاریس که یک کلمه علیه امپریالیسم آمریکا در آن دیده نمیشود، خود را به جنبش در حال پیشرفت چسباندید.

حزب توده ایران در مراحل آغازین انقلاب در خطاب خود به مبارزان و درجه داران و افسران، آنانرا به قیام علیه رژیم شاه خائن فراخواند. حزب توده ایران در پیام ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ خود، از همه مبارزان راه خلق و مدعیان مبارزه در راه منافع ملی دعوت کرد که، جبهه متحدی برای سرنگون ساختن رژیم پوسیده سلطنتی و برقراری جمهوری بوجود آورند و برنامه وسیعی هم در زمینه مبرم ترین مسائل زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی کشور پیشنهاد نمود.

حزب توده ایران پس از کشتار جمعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، همزمان با آیت الله خمینی، مردم را به تشدید مبارزه فراخواند، ولی شما و بختیار و برخی دیگر از «سنجاییها» در مصاحبه باروزنامه لوموند مبارزه قاطع و بیکیفر مردم ایرانرا تحقظه کردید و برای جلب مرحمت شاه خائن، هواداری خودتان را از سلطنت مشروطه یکبار دیگر تأکید نمودید. برای کمک به محافظه شما، خوبست یکبار دیگر به مصاحبه خودتان و به نوشته های روزنامه «نویس»، که در تهران پخش میشد، مراجعه نمائید.

آقای سنجایی! خیلی بیشتر بجای بود که شما، بجای اینکه دنبال مقصرین واهی حوادث بیست و پنج سال پیش، لاپائالات «سیر کمونیسم» ساواک بختیار و نظائر آنرا تکرار کنید، به شنوندگان خود توضیح می دادید که، چگونه دوست و همکار شما، شاپور بختیار، این خیانت عظیم را به مردم ایران کرد. آیامیان این اقدام بختیار و سکوت مصرانه شما در مورد توضیح آن و کوششی که برای منحرف ساختن افکار عمومی در جهت اختراعات اتهام آمیز ساواک نسبت به حزب توده ایران میکنید، هیچگونه ارتباطی نیست؟ آیا این تلاش دوران اخیر شما گردوخاکی نیست که شما هوا می کنید، برای اینکه سیاست سازش کارانه خود را در مقابل امپریالیسم و ارتجاع سیاه ایران از انظار مردم انقلابی بپوشانید؟

آقای سنجایی! ما امیدواریم که بتوانیم در آینده نزدیک، در زمینه آنچه که در این پاسخ مختصر آمده است مجموعه ای از اسناد و مدارک را در دسترس افکار عمومی قرار دهیم و بدینسان به داوری درست درباره زیستنامه سیاسی شما کمک بیشتری بکنیم.

رویدادهای جهان

ناتو پذیر سوءظن و دشمنی می افشاند

اتحاد شوروی اعلام کرد که سردمداران ناتو قصد دارند که برنامه افزایش امکانات و قدرت نظامی پیمان آتلانتیک شمالی را بموقع اجرا گذارند. روزنامه پرآودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، در تفسیری که به کار اجلاس بهار شوروی ناتو اختصاص داد، نوشت: «نیروهای وجود دارند که می کوشند تا سوءظن و دشمنی متقابل را افزایش سازند».

سخنرانی تلویزیونی لئونید ایلچ برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدراعظم روسیه اتحاد جماهیر شوروی نیز در بوداپست اشاره ای به این نیروها داشت. برژنف اعلام کرد که «رژیم یکن یک منبع خطر جدی جهانی است». وی تصریح کرد که «پکن نه تنها با هر گونه اقدامی در راه تحدید مسابقه تسلیحاتی مخالفت می کند، بلکه از کشورهای عضو پیمان ناتو وازاین می خواهد که به تجدید تسلیحات مبادرت ورزند».

اتحاد شوروی در راه تفاهم و صلح بین المللی می کوشد

لئونید برژنف در این سخنرانی تلویزیونی تأکید ورزید که دیدار آینده وی با کارتر، رئیس جمهوری آمریکا، نه تنها ممکن است به بهبود روابط دولتهای بزرگ انجامد، بلکه در فضای بین المللی نیز چنین بهبودی پدید آورد. برژنف همچنین اعلام کرد که دو هفته دیگر به وین خواهد رفت تا قرارداد سات ۲ را امضاء کند. وی در این مورد تأکید ورزید که «اتحاد شوروی برای یک گفت و گوی خلاق و مؤثر آماده است و امید دارد که آمریکا نیز چنین روشی اتخاذ کند».

برژنف در مورد مناسبات اتحاد شوروی و چین گفت: «ما مایل هستیم موضوع گفت و گویا چین را بطور جدی و مؤثر مورد بررسی قرار دهیم».

اعراب چاره می اندیشند و جبهه پایداری را تحکیم می بخشند

در پایان اجلاس مهمی که به ریاست یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل یافت، فلسطینیهای چپ لبنان و متحدان ترقیخواهشان تصمیم گرفتند که جمعیت غیر نظامی جنوب لبنان را از این ناحیه به نقاط دیگر منتقل کنند تا آنها را از خطر بمبارانها و کشتارهای اسرائیل نجات دهند

همچنین تصمیم گرفته شد که سریمآ و تا آخرین نفر فدائیان فلسطین یا افراد مسلح لبنانی از تمام شهرها و دهکده های لبنان، در صورت در جنوب لبنانی یا نبطیه، خارج شوند.

بنوشته روزنامه النهار قصد فلسطینیها و ترقیخواهان لبنان از این تصمیم این است که نیروهای خود را در مواضع واقع در سی و پنج کیلومتری این دهکده ها و شهرها مستقر سازند.

از طرف دیگر، بگزارش یونایتد پرس، برای بازسازی و تقویت جبهه پایداری اعراب، که مشتمل است بر سوریه، لیبی، الجزایر، جمهوری دموکراتیک یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین، کوششهایی بعمل می آید. به گفته این منابع دیدار عبدالفتاح اسماعیل، رهبر یمن دموکراتیک از لیبی و الجزایر، جزئی از این کوششهاست. عبدالفتاح اسماعیل در پیامی که برای معمر القذافی فرستاد، تشکیل کنفرانس سران عرب را برای گفت و گو درباره اقدامات احتمالی اعراب در برابر تجاوزات و حملات مکرر اسرائیل به لبنان خواستار شد.

کمپانیهای نفتی آمریکایی به غارت و سود بریهای فزاینده خود ادامه می دهند

خبرگزاری تاس اعلام کرد که کمپانیهای نفتی آمریکایی اکسون، استاندارد اویل آف کالیفرنیا، موبیل اویل و تکزاکو که از جمله شرکتهای نفتی ذی سهم در آراکو هستند و از نفت عربستان سعودی بهره برداری می کنند، مسبب افزایش جدید قیمتهای نفت در بازار آزاد نفت بندر روتردام هلند است.

تاس همس در تشریح وضع بحران نفت و اوضاع ناشی از تضاد و اختلاف نظر موجود میان آمریکا و کشورهای اروپائی، تصریح کرد که شرکتهای بزرگ نفت که صدور هشتاد درصد نفت خام به قریب را زیر نظارت خود دارند، دست اندر کار ایجاد کمبودهای مصنوعی نفت هستند.

خبرگزاری شوروی اعلام کرد که سخنگویان نمایندگان شرکتهای نفتی آمریکا در مجلس قانونگزاری این کشور در بهار گذشته، شایعاتی درباره وجود نقشه هایی در زمینه به اصطلاح کاهش شدید استخراج نفت در خلیج فارس انتشار دادند. لکن تاس یاد آور شد که این کمپانیهای بزرگ نفتی آمریکا هستند که مسئولیت اتکاف بازارهای نفتی آمریکا را به واردات از خارج، مستقیماً برعهده دارند، و اگر اکنون یک بشکه از دوشبکه نفت خام آمریکا از خارج تأمین می شود بدان علت است که ورود نفت از خارج برای شرکتهای نفتی آمریکا دبرابر بیشتر از استخراج از ذخایر داخلی نفت سود دارد.

پیروزیهای مردم نیکاراگوئه

همزمان با اوجگیری فزاینده قیام و مبارزه مردم نیکاراگوئه با حکومت دست نشانده آناستازو سوموزای دیکتاتور هزاران تن از مردم مسلح این کشور، چهار شهر مهم را آزاد کردند ماناگوآ پایتخت نیکاراگوئه، نیز هر لحظه در معرض خطر حمله از طرف مردم قرار دارد. دولت آمریکا که همواره از همه دیکتاتورها در تمام اقطار و اکناف جهان پشتیبانی کرده است و می کند، در باره سر نوشت سوموزا و خانواده او نیز که مورد حمایت آن کشور است ابراز نگرانی کرد.

چریکهای جبهه آزادیبخش ساندینیست، که بر نیروهای گارد ملی ساخته و پرداخته ایالات متحده آمریکا در نیکاراگوئه ضربات و تلفات سنگینی وارد آورده اند، اعلام کردند که گارد به اصطلاح ملی سوموزا بر اثر حملات مردم مسلح، از شهر ماسایا در سی کیلومتری ماناگوآ، پایتخت کشور عقب نشینی کردند بموجب اعلامیه ای که از طرف چریکهای جبهه آزادیبخش ساندینیست در مکزیکو انتشار یافت، شهر ماسایا در بی جنگی بسیار شدید میان مردم و نیروهای سوموزا، سقوط کرد و بتصرف ساندینیستها درآمد.

رؤسای جمهوری مکزیک و کلمبیا ضمن صدور اعلامیه ای، سرکوبی و نقض حقوق بشر را از طرف دیکتاتور دست نشانده نیکاراگوئه شدیداً محکوم کردند.

